

محمد رسول الله

شهرام تقی‌زاده انصاری

مقدمه

کتاب حاضر نوشته تولستوی، درباره حضرت محمد (ص) و سخنان ایشان است. این اثر سال‌ها به خاطر فضای سانسور حاکم بر روسیه چاپ نشد، زیرا روس‌ها اکثراً مسیحی بوده و وابستگی تولستوی به پیامبر اسلام را برای فرهنگ خود بیگانه و بی‌فایده می‌دانستند.

تولستوی مطمئناً کتاب عبدالله السهروردی عالم بزرگ هندی در باره احادیث محمد(ص) را خوانده بود و در مورد آن نیز تحقیق کرده بود. اندیشه‌های تولستوی در مورد اسلام و مسلمانی در این کتاب به روشنی به چشم می‌خورد.

گفتنی است که جمع‌آوری احادیث برگزیده از سوی تولستوی خود در آن روزگار کار بسیار بزرگی است و مورخان باید در این مورد به تحقیق بپردازند. ولی روی هم رفته این کتاب نشانه عشق و محبت تولستوی به اسلام و پیامبر اسلام (ص) است. کتاب در چند مقدمه و پیش‌گفتار و چهار فصل در ۱۵۰ صفحه به چاپ رسیده است.

محمد رسول الله

لئون تولستوی، محمد
رسول الله، ترجمه: عطا
ابراهیمی‌راد، تهران: نشر
نالت

زندگی نامه

لئون تولستوی متولد ۲۸ اگوست سال ۱۸۲۸ در شهر نولا در منزلی روستایی چشم به جهان گشود. در دوران کودکی، پدر و مادر خود را از دست داد و نزد مادر بزرگ و عمویش بالید. در سال ۱۸۴۴ م در دانشگاه کازان شروع به تحصیل در رشته زبان‌های شرقی کرد و یک سال بعد، رشته تحصیلی خود را به حقوق تغییر داد و آن را نیز رها کرد. در سال ۱۸۵۱ به قفقاز رفت و در مدرسه نظامی اسم نوشت و در سال ۱۸۵۳ به جبهه جنگ با دولت عثمانی اعزام شد. خاطرات خود را از آن زمان در کتاب‌های کودکی و داستان‌های سواستوپول نوشت. در سال ۱۸۵۷ به آلمان و انگلستان و سوئیس سفر کرد و با نویسندگان و روشنفکران آشنا شد. در سال ۱۸۶۱ به مسکو برگشت و به نویسندگی پرداخت. کتاب‌های مهم او عبارتند از: جنگ و صلح، آنکارینا، زندگی دوباره، مرگ ایوان ایلیچ، چه باید کرد؟ و ... وی در ماه اکتبر ۱۹۱۰ از دنیا رفت.

رکان آل بایراک، رییس کانون نویسندگان ترکیه درباره کتاب محمد رسول‌الله به قلم تولستوی و انتشار ترجمه آذری آن چنین می‌نویسد:

«در دنیایی زندگی می‌کنیم که وقتی کتابی بر علیه پیامبر اسلام (ص) و یا قرآن مجید نوشته می‌شود، نویسنده آن از سوی غرب، قهرمان به حساب می‌آید و رسانه‌ها، مدت‌ها درباره آن به بحث می‌پردازند و دین اسلام را مورد نقد و تفسیر قرار می‌دهند و نویسندگانی که دین اسلام را به صورت کامل و بدون غرض ورزی تعریف می‌کنند، در دنیای غرب اعتباری ندارند. اسلام از نظر آن‌ها، دین غیر انسانی و تروریسم است. اکثر آلمانی‌گفته را می‌شناسند، ولی کسی عشق بیش از حد او را نسبت اسلام نمی‌دانند و از طرح و ستایش ماریا ریلکه، شاعر آلمانی درباره پیامبر اسلام هم خبری ندارند.»

از جمله کسانی که در غرب مورد ظلم و ستم قرار گرفتند، لئون تولستوی است. برای آن که تأثیر اسلام بر افکار او را بدانیم، باید ده‌ها سال انتظار بکشیم تا روزی مثل امروز، متوجه شویم که او حتی کتابی درباره پیامبر اسلام نوشته است. روس‌ها به دلایل عقیدتی، نامه‌ها و اسناد مهم تولستوی در تأیید اسلام را پنهان کردند تا کسی از آن‌ها با خبر نشود. ترجمه آذری این کتاب، شوق و هیجان بسیار در من به وجود آورد.»

پروفسور تلمان خورشید اوغلو علی اف نیز درباره تولستوی آورده است:

«تولستوی صاحب ثروت بود و همواره راه راست را برگزیده است. او به‌خاطر نداشتن افکار ملی و یا شوونیستی از نویسندگان دیگر جدا بود و در پی عالم دینی بود. در دوران حکومت کمونیستی در شوروی، کتاب تولستوی چاپ نشد. در سال ۱۹۷۸ (۷۰ سال بعد از نوشته شدن رساله تولستوی) در بزرگ‌ترین مجله جمهوری آذربایجان آن وقت یعنی مجله آذربایجان مقدمه این رساله، نامه همسر ژنرال آذری وکیل او از آذری به روسی ترجمه شد. اما تیغ سانسور باکو اجازه چاپ آن را نداد و اعلام کرد که هوشمندی چون تولستوی نمی‌تواند درباره اسلام و پیامبر (ص) آن این چنین قلم زند!»

سردبیر مجله، این بار تاریخ نشر مجله را به تأخیر انداخته و به مقامات مسکو اطلاع می‌دهد. مسکو امر می‌کند «آری می‌تواند چاپ شود» و به این ترتیب، نوشته تولستوی با خواننده آذری ارتباط می‌یابد. انتشار این کتاب در آذربایجان مثل بمب صدا کرد و روشنفکران را به فکر واداشت. بالأخره در سال ۱۹۹۰ م با برقراری حکومت نسبتاً «دموکراتیک»، این رساله به زبان روسی چاپ شد.

گفتنی است تولستوی کتاب خود را «احادیث پیامبر (ص) که در

قرآن نیامده، نام نهاده بود که ما آن را را محمد رسول الله گذاشتیم، چون به نظر ما نام کتاب، غلط بود، زیرا قرآن کلام خداست و حدیث هم سخن پیامبر است.

ناگفته نماند که خانمی به نام والر یا پروهوا، سال‌ها پیش در روسیه اسلام آورده و با مردی عرب ازدواج کرده و سپس بمدت ۱۱ سال در عربستان زندگی کرد و دستورات دینی را یاد گرفت. او قرآن را از عربی به روسیه ترجمه کرده و سپس کتاب تولستوی در مورد پیامبر اسلام را در رسانه‌ها مطرح کرده است. به نظر او، تولستوی اواخر زندگی‌اش، اسلام آورده و طبق وصیتش با اصول شریعت اسلام، به خاک سپرده شده است. یکی از دلایل او این بوده است که بر سر سنگ قبر تولستوی، اثری از صلیب نیست». مترجم ترکی این اثر تولستوی، بعد از شرح حالی از مسلمان شدن کاپیتان کوسته‌هو، کلمنت تورز، پولو سین و رژه گاردی، می‌نویسد: تولستوی اسلام را زمانی مطرح کرد که تبلیغات کمونیست‌ها به اوج خود رسیده بود و ضد دین بودن به معنی قدرتمند بودن به حساب می‌آمد. در آن زمان کسی که می‌خواست از دینی مثل اسلام دفاع کند، می‌بایست از جان خود بگذرد. لذا تولستوی با شجاعتی که داشت، به جمع‌آوری این احادیث پیامبر پرداخت. تولستوی در نامه‌ای به یلنا وکیل او می‌نویسد: برای من محمدی بودن، از ستایش صلیب در مقام بالاتری قرار دارد و در این مقایسه من اسلام را بر می‌گزینم و در قسمت دیگری از نامه از سرنوشت ادیان دیگر که در مسیر غیر انسانی قرار گرفته‌اند و وظایف و اهداف خود را فراموش نکرده‌اند نام برده، دین حضرت محمد(ص) را آخرین دین الهی و دینی فوق‌العاده خوب شمرده است.

فصل اول، توصیه‌های مهم

تولستوی، بعد از مطالعه کتاب احادیث فیلسوف هندی،

سهروردی، ۹۲ حدیث از پیامبر اسلام را جمع‌آوری کرده که اکثراً در مورد فقر و عدالت است. او می‌خواست نشان دهد که اسلام نیز از عدالت واقعی، مساوات، برادری و فداکاری سخن گفته است و این احادیث می‌تواند به انسان، امید و ایمان ببخشد.

چند نمونه از احادیث:

تحصیل علم بر هر مسلمانی واجب است.

قلب کسی را نشکن!

عقل هر کس با ایمانش ارتباط دارد.

خدواند کسی را دوست دارد که با دست‌رنج خودش به زندگی ادامه دهد.

قبر، نخستین منزل آخرت است.

فقر من برایم مباحث است.

گفتنی است که منابع بسیاری از احادیث نیز در آخر فصل آمده است.

فصل دوم، نامه‌ها

در سؤال و جواب‌های نامه‌های زیر میان تولستوی و دوستانش می‌توان به مسائل جدیدی در مورد اسلام و حضرت محمد(ص) رسید که ما به طور اختصار آن‌ها را شرح می‌دهیم: خانم یلنا و کیلاوا نظر تولستوی را در مورد بهترین و کامل‌ترین دین جويا می‌شود. تولستوی در جواب می‌نویسد: «آخرین و برترین دین، اسلام است».

«بعضی از فلاسفه مهم معتقدند که اهمیت دین اسلام از پروسلاو (شاخه‌ای از دین مسیحیت در روسیه) بیشتر است و شخص من هم این را با خلوص نیت قبول می‌کنم. ممکن است به نظر بعضی این مسئله تعجب‌آور باشد، ولی به نظر من اسلام و مهدویت از پرستش صلیب (مسیحیت) در جایی بسیار بالاتر قرار

دارد. من فکر می‌کنم اگر هر کسی می‌توانست به تنهایی تصمیم بگیرد، همه دین اسلام را به عنوان دینی که تنها یک خدا را برای پرستش اعلان کرده و پیامبر آن محمد(ص) است، می‌پذیرفت.»

«در مورد این که دین اسلام و تعلیمات محمد(ص) در مقابل مسیحیت بسیار با ارزش‌تر و دارای مقامی والاتر است و خصوصیات بیشتری دارد و این که فرزندان شما در راه این تفکر آسمانی خدمت می‌کنند با تمام قلبم با آن‌ها موافق بوده و به آن‌ها تبریک می‌گویم ... باید بگویم که دین اسلام و تعلیمات محمدی با تمام خصوصیاتش، ظاهراً از مسیحیت بسیار کامل‌تر و با ارزش‌تر است. حداقل خصوصیات ظاهری دین اسلام با مسیحیت اصلاً با مسیحیت قابل مقایسه نیست. دین اسلام اساس تمام ادیان مقدس را در خود دارد و با بسیاری از حقایق دین مسیحیت هم نزدیکی دارد، زیرا پایه ادیان الهی، خداست.

پزشک مخصوص تولستوی آقای موکو ویتسکی در کتاب خود به‌نام پل‌شویو یا سنو پولیانامی نویسد:

«تولستوی در گفت‌وگوهای خانوادگی می‌گفت: محمد به عنوان یک پیامبر همیشه و همه جا بالاتر از مسیح و تعالیم او قرار می‌گیرد. او انسان را ضعیف نکرده و او را به جایگاه خداوندی نمی‌رساند و خود را نیز به جایگاه خدا نزدیک نمی‌کند و جای خدا نمی‌گذارد. مسلمانان به غیر از الله خدایی دیگر ندارند و محمد پیامبر آن‌هاست. در این‌جا معما و اسراری نیست ... اسلام کمک بسیار زیادی به خود من کرده است.»

فصل سوم، اعترافات

فرازهایی از اعترافات تولستوی درباره خداوند:

ایمان به خداوند، ایمانی که برای رسیدن به نعمات زندگی فقط یک وسیله است، هرگز این، ایمان واقعی نیست. ایمان واقعی آن است که به خدا ایمان داشته باشیم، یعنی به خدای ادیان.

ایده‌آل‌ها، دانش‌ها، هنرها یا روش‌های فکری در ادیان جواب خود را می‌یابند.

به نظر دانشمندان و تحصیل‌کردگان، دانشی که از راه عقل به دست می‌آید، معنای زندگی را انکار می‌کند. عده‌ای این علم و دانش را عقل نمی‌دانند. دانشی که مستقیماً با علم و عقل ارتباط ندارد، ایمان نام دارد.

ایمان، تفکرات و یا ارزش‌هایی است که در عالم عادی دیده نمی‌شوند. وحی فقط یکی از خصوصیات ایمان است. ایمان تنها به صورت صرف، ارتباط میان انسان با خدا نیست. ابتدا باورها را پذیرفته و بعد زندگی امکان می‌پذیرد. با وجود خداوند است که ایمان به وجود می‌آید. قبول دین، ایمان، رسیدن به خداوند و ارتباط با او سلسله مراتبی است که با آن می‌توان زندگی را قبول کرد.

جستجوی خدا با تفکر ممکن نمی‌شود، بلکه با احساس میسر می‌شود.

فصل چهارم، اسناد و مدارک اصل کتاب به زبان روسی حدود سی صفحه آخر کتاب شامل صفحاتی از کتاب روسی تولستوی به اضافه بعضی از نامه‌ها به چشم می‌خورد.

پژوهش‌های انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی